



مقدمه‌ای بر شناخت زیلوی میبد

دکتر مهتاب مبینی^۱

پژمان الماسی‌نیا^۲

زینب کریمی^۳

چکیده

شهرستان میبد به واسطه‌ی استقرار در فلات مرکزی ایران و دارا بودن آب و هوایی گرم و خشک، واجد ویژگی‌های اقلیمی خاصی است که هنر و صنایع دستی آن را از سایر مناطق کشور متمایز می‌کند. از صنایع دستی شاخص این منطقه می‌توان به زیلوبافی اشاره کرد که شناخت خاستگاه و پیشینه‌ی دقیق این زیرانداز مردم کویر میسر نیست؛ اما با توجه به کتیبه‌نگاری‌های زیلویها، قدمت آن‌ها قابل بررسی بوده و شاهدهی است بر هنر-صنعت خاص نواحی مرکزی ایران. از مواردی که در کتیبه‌های زیلویها بافته و ثبت می‌شده است؛ می‌توان به نام بافنده و سفارش‌دهنده، تاریخ بافت، نام مکانی که زیلو برای آن وقف شده و القاب دعایی اشاره کرد. زیلوی میبد با توجه به خصوصیات هنری از قبیل نوع بافت، رنگ و طرح زیبای خود می‌تواند مورد استقبال اقشار مختلف قرار گیرد. اما با توجه به احیا نشدن دستگاه‌های بافت، عدم تعلیم بافندگان جوان، به‌روز نشدن دستگاه‌های بافت، عدم تطابق آن با صنعت بافندگی مدرن و... این هنر-صنعت، در حال رکود است. این مقاله از طریق مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای سعی دارد با بررسی پیشینه‌ی زیلوبافی و معرفی طرح، رنگ، نقش و هم‌چنین چگونگی بافت آن، به معرفی این هنر در حال نابودی مردم کویرنشین میبد بپردازد.

واژگان کلیدی: زیلوبافی، میبد، نقش و رنگ، بافت. یک سطر فاصله

۱- مقدمه

استان یزد در فلات مرکزی ایران واقع گردیده است؛ بخش‌های وسیعی از این استان پهناور را که به‌لحاظ وسعت جزء سه استان بزرگ کشور محسوب می‌شود، کویر پوشانده است. مرکز استان، یزد، شهری باستانی و بافرهنگ است که سنت‌ها در آن از شهرهای دیگر محفوظ‌تر مانده و سبک و ترکیب شهر کم‌تر دست خورده است. یزد به استناد کتب تاریخی و نیز وضع شهرسازی آن، از زمان امرای دیلمی تا عصر صفوی، چند بار وسعت یافته و روی آبادانی دیده است (افشار، ۱۳۷۴:

۱- استادیار گروه هنر، دانشگاه پیام نور، ایران (dr.m.mobini@gmail.com)

۲- پژوهشگر آزاد، کارشناس ارشد پژوهش هنر (palmasinia@yahoo.com)

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر (zeynab.karimy@gmail.com)



ص ۱۷). میبد نیز مابین حوزه‌ی ممتد و بسته‌ای که از کاشان تا کرمان در امتداد جهت شمال غربی - جنوب شرقی کشیده شده، قرار گرفته و جزئی از دشت یزد - اردکان است. بیش‌ترین فعالیت کشاورزی و صنایع استان نیز در این دشت متمرکز شده است. در صنایع دستی میبد، زیلو به دلیل اهمیت اقتصادی قابل توجه و هم‌چنین نقشه‌های گوناگون خود، یکی از عرصه‌های نمایش ذوق و هنر بوده است. هرچند بیش‌تر این نگاره‌ها، نقش‌های شناخته‌شده‌ای هستند که ریشه در فرهنگ باستانی دارند، اما بسیاری از آن‌ها همراه و همگام با تحولات اجتماعی رنگ عوض کرده و حامل پیام هنری عصر خود شده‌اند. برخی از این نقوش با فرهنگ اسلامی درآمیخته، غنای بیش‌تری یافته‌اند. از آنجایی که کارگاه‌های زیلوبافی یک کارگاه خانگی بوده، یکی از عناصر کالبدی خانه‌ها به‌شمار می‌رفت (اسفنجاری کناری، ۱۳۸۶: صص ۱۷ و ۱۶). هنر-صنعت زیلو بافی در شهرستان میبد با فرهنگ این خطه پیوندی انکارناپذیر دارد. این شهرستان قدمت چندصد ساله‌ای در بافت زیلودارد؛ به‌گونه‌ای که زمانی مردمان این خطه‌ی کویری از بافت زیلو تأمین معاش می‌کردند. زیلو گرچه فقط یک زیرانداز نخی کم‌بها که در تابستان باعث خنکی می‌شود، شناخته شده است؛ اما بررسی فنون و تکنیک بافت و طرح و نقش آن، نشان‌دهنده‌ی غنای فرهنگی در پس هر تاروپودش است. هدف مقاله‌ی پیش رو، بررسی پیشینه و طرح و رنگ و شیوه‌ی بافت این زیرانداز در حال رکود است. هنر-صنعتی ایرانی که گرچه احیاء آن ممکن است در ظاهر مقرون به صرفه نباشد اما با فراهم آوردن امکانات مناسب، می‌توان آن را طبق شرایط روز به‌کار گرفت. زیلو از زیراندازها و بافته‌های روستایی ایران است که در مناطق گرم به‌ویژه یزد و میبد بافته می‌شود. زیلو از آنجا که در نوع بافت شباهت‌هایی با حصیر دارد و همانند آن به‌عنوان زیرانداز مورد استفاده قرار می‌گرفته است، احتمالاً مرحله‌ی تکامل‌یافته‌ی حصیربافی بوده و بافندگان زیلو از صنعت حصیربافی الهام گرفته‌اند. این فرش ارزشمند که خاستگاه آن به‌درستی مشخص نیست، یکی از هنرهای مهم ایرانیان بوده که به‌لحاظ به‌کارگیری مواد و مصالح و شیوه‌ی تهیه و هم‌چنین نقوش بدیع و بی‌نظیر آن از جمله مهم‌ترین هنرها و صنایع دستی ایران به‌شمار می‌آمده است و سده‌ها در منازل و اماکن مذهبی به‌عنوان کف‌پوش مورد استفاده داشته است. با این وجود در متون گذشته از زیلو کم‌تر یاد شده است و تنها هر جا سخن از بنای مسجدی بوده، از زیلو به‌عنوان فرش آن نام برده‌اند؛ بدون این‌که به محل بافت و تاریخ آن اشاره‌ای شود (علی‌محمدی اردکانی، ۱۳۸۶: صص ۱۴ و ۱۵).

۲- پیشینه‌ی زیلوبافی

خاستگاه زیلوبافی در استان یزد، محلی به‌نام بشنیغان در میبد بوده که از این محل به جاهای دیگر گسترش یافته است. زیلو که به نام‌های زیلوج و شطرنجی هم از آن یاد می‌شود، زیراندازی تابستانی است که در بیش‌تر نقاط با دستگاه‌های بافندگی بافته می‌شود؛ ولی در مناطق روستایی تهران، ساوه، کاشان و یزد به شیوه‌ی بافت گلیم تولید می‌شود. ظاهری زمخت دارد و از نظر تنوع رنگ و نقش نیز به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه با انواع گلیم نیست (جزایری، ۱۳۷۰: ص ۴۸). این زیرانداز با نخ‌های پنبه‌ای رنگ‌رزی شده بافته می‌شود و شباهت‌هایی نیز به گلیم و پلاس دارد. اکثر مردم و حتی برخی پژوهشگران، فرقی بین زیلو و گلیم قائل نیستند درحالی‌که این دو دست‌بافته از لحاظ مواد خام مصرفی و نوع بافت،



تفاوت‌های بسیاری دارند. زیلو به دلیل داشتن تاروپود پنبه‌ای، از گزند شن‌های روان کویر مصون می‌ماند درحالی‌که فرش‌های پشمی در برابر توفان شن مقاومتی ندارند. به‌واسطه‌ی کاربرد پنبه به‌عنوان ماده‌ی خام اولیه‌ی بدون پرز در تاروپود زیلو، سلامتی بافته و مصرف‌کننده به خطر نمی‌افتد، در صورتی‌که وجود پشم در قالی‌بافی سبب بروز بیماری‌های تنفسی خواهد شد. در گذشته، زیلوبافی در بسیاری مناطق ایران مرسوم بوده و به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ی کویر و مناطق گرم و خشک رواج بیش‌تری داشته است. در استان یزد و به‌خصوص شهرستان میبد، زیلوبافی رونق فراوان داشته است. از آثار و شواهد موجود در زیراندازهای مسجد جامع میبد - با حدود ۵۰ درصد پوسیدگی - چنین برمی‌آید که زیلوبافی سابقه‌ای طولانی دارد که وجود تاریخ ۸۰۸ هجری قمری شاهده‌ی بر این مدعاست. تکنیک‌های زیلوبافی را می‌توان از لابه‌لای فرهنگ مردم این خطه جستجو کرد. مردم کویرنشین میبد، مردمانی هنر دوست بوده‌اند و تکایا و مساجد خود را با هنرهای دستی می‌آراستند؛ به‌همین دلیل سطح مساجد را با کفپوش‌هایی آذین می‌کردند که مزین به نقش و نگار ساده و آراسته باشد که در این راستا می‌توان کاربرد زیلو - با نقش‌های متنوعش - را متذکر شد. چندین نمونه از هنر زیلوبافی با نقش هشت‌ضلعی و پرده‌ای که در مساجد میبد یافت شده، گواه این مطلب است. سیدرکن‌الدین محمد، پدر میرشمس‌الدین که از سادات و رجال نامی استان یزد به‌شمار می‌آمده، در رونق زیلوبافی میبد نقش مهمی ایفا کرده است. وی در زمان حیات، پنج مسجد بزرگ در یزد بنا نهاد که بی‌تردید برای تأمین فرش این مساجد، خود یکی از خریداران عمده‌ی زیلوی میبد بوده است. خاطرنشان می‌سازد؛ یکی از نقش‌های زیلو نیز رکن‌الدینی نام دارد که به‌احتمال بسیار زیاد از زمان وی به‌یادگار مانده است. چنانچه پیش‌تر ذکر شد، علت این‌که اکثر مساجد و زیارتگاه‌ها از زیلو به‌عنوان کفپوش استفاده می‌کنند، سادگی و بی‌پیرایگی آن است که مناسب مسجد و دیگر اماکن معنوی است. به‌علاوه، احساس آرامشی که رنگ آبی و سفید زیلوها به انسان می‌دهد را نباید فراموش کرد. یکی از مشخصه‌های فرهنگ ایران، نمادین بودن رنگ‌هاست؛ به‌گونه‌ای که هر رنگ دارای مفهومی معنوی می‌باشد و از این طریق توانسته است در بسیاری از عرصه‌های هستی نقش مهمی داشته باشد (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: پیشگفتار). رنگ‌های مورد استفاده در بافت زیلو، همگی از گیاهان کویری تهیه می‌شوند که عموماً گیاه روناس برای ایجاد رنگ‌های طیف قرمز، نیل برای طیف رنگ‌های آبی و پوست گردو برای طیف رنگ‌های قهوه‌ای به‌کار می‌رود. علت استفاده از رنگ‌های گیاهی در زیلو، ثابت ماندن این نوع رنگ در مقابل نور خورشید و نیز مقاومت در برابر شستشو است. زیلو برخلاف سایر دست‌بافته‌های ایرانی، تنوع رنگی کمی دارا بوده و معمولاً دو رنگ دارد: "آبی و سفید"، "آبی و گلی" و "سبز و گلی" از رایج‌ترین رنگ‌هاست. زیلوهایی که با رنگ‌های آبی و سفید بافته می‌شود، مختص مساجد و اماکن متبرکه است. زیلوهای جوهری که با رنگ‌های آبی و گلی بافته می‌شود، برای مصارف خانگی کاربرد داشته و نسبتاً ارزان‌قیمت است (فناپی، ۱۳۸۷: ص ۳۳). رنگ‌ها در هنر ایرانی با خردمندی و آگاهی از هر مفهوم نمادین رنگ و تأثیراتی که به‌واسطه‌ی ترکیبها هماهنگی رنگ‌ها بر روح می‌گذارد، به‌کار می‌رود. کاربرد سنتی رنگ‌ها بیش‌تر به‌منظور یادآوری واقعیت آسمانی چیزهاست (حیدری، ۱۳۸۲: ص ۴۳). رنگ سفید که در بیش‌تر مواقع فضای داخلی مسجد رامی‌پوشاند، نشانی از قداست و آرامش است و پرمضمون‌ترین رنگ در عالم روحانی محسوب



می‌شود. آبی، رنگی آرامش‌بخش و همیشه متوجه درون است که در طبیعت قدرت بسیاری دارد. رنگی است که در همه‌ی ساعات در طبیعت به چشم می‌خورد؛ تنها ویژگی و روشنی آن است که تغییر می‌کند (مصدقیان، ۱۳۸۴: ص ۹۳). از آنجا که زیلو زیراندازی ساده به‌شمار می‌رود، یکی از اصلی‌ترین رنگ‌های به‌کار رفته در آن، رنگ آبی است؛ (تصاویر ۱ و ۲) اما در کنار آن، ترکیبات گوناگونی شامل آبی و سفید، مشکی و سفید، قرمز و سفید، آبی و گلی، سبز و نارنجی، فیروزه‌ای و عنابی و هم‌چنین روناسی و سفید به چشم می‌خورد. نقوش به‌کار رفته در زیلو از امکانات ترکیب و هم‌نشینی بسیار مناسبی برخوردارند. این موضوع سبب شده است تا بافنده با نظر و سلیقه‌ای که ریشه در سنت‌های گذشته دارد، اقدام به ابداعات نوینی در دست‌ساخته‌ی خود بنماید. ساختار نقوش به‌گونه‌ای است که به‌راحتی در کنار یکدیگر نشسته و به تکمیل هم می‌پردازند. زیلو دارای دو گروه نقش است: نقش «حاشیه» که در اصطلاح به آن «وج» گفته می‌شود و نقش «کار» یا «زمینه» که آن را به‌نام «نقش» می‌شناسند. نقش حاشیه معمولاً ثابت بوده و آهنگ یکنواختی دارد، اما نقش زمینه بسته به ذوق و سلیقه‌ی بافنده یا مکان مورد استفاده، تغییر می‌کند (شایسته‌فر و شکرپور، ۱۳۸۸: ص ۲۷). خاستگاه زیلوبافی خواه میبد باشد یا جای دیگر، این هنر-صنعت در میبد سابقه‌ای طولانی دارد.



تصویر ۱- زیلو با رنگ‌های آبی و سفید مخصوص مساجد و اماکن متبرکه (نگارندگان).



تصویر ۲- زیلو با رنگ‌های آبی و سفید مخصوص مساجد و اماکن متبرکه (نگارندگان).

۳- پنبه و پیشینه‌ی کشت آن در میبد

پنبه گیاهی است علفی که ارتفاعش به ۲ متر نیز می‌رسد. برگ‌هایش دارای بریدگی است و گل‌های سفید، زرد و یا صورتی دارد. میوه‌ی آن کپسولی است به‌اندازه‌ی یک گردو به‌نام غوزه‌ی پنبه که تخمک‌ها - درواقع همان تخم پنبه - درون آن قرار دارند. خصوصیات الیاف پنبه نظیر قطر آن به نوع پنبه بستگی دارد، ولی باید در نظر داشت که سایر شرایط از قبیل



مناسب بودن زمین و هم‌چنین شرایط جوی نظیر رطوبت زیاد و نور آفتاب نیز در مرغوبیت آن تأثیر می‌گذارد (حاجی شریفی و ساسان‌نژاد، ۱۳۶۳: ص ۸۱). طبقه‌بندی گیاهی مختلفی برای پنبه وجود دارد، ولی متداول‌ترین آن‌ها پنبه را به دو نوع آسیایی و آمریکایی تقسیم می‌کند که اصطلاحاً پنبه‌ی آسیایی را پنبه‌ی دنیای قدیم و پنبه‌ی آمریکایی را پنبه‌ی دنیای جدید گویند (حاجی شریفی و ساسان‌نژاد، همان: ص ۹۶). پنبه از محصولات گران‌بها و باارزشی است که اهمیت اقتصادی و موقعیت کشاورزی و تجاری خاصی در جهان یافته؛ تا جایی که به آن لقب طلای سفید داده‌اند. در شهرستان میبد طی سال‌های نخست بعد از هجرت در سنه‌ی ۱۰۰ هجری قمری به‌علت داشتن موقعیت جغرافیایی خاص این منطقه، به کشت پنبه روی آوردند. امروزه هنر-صنعت زیلوبافی در میبد معرف آن سال‌هاست. مصرف پارچه‌ی پنبه‌ای عمر طولانی چندهزار ساله دارد. پنبه ماده‌ی نساجی ارزنده‌ای است که هیچ لیفی تاکنون نتوانسته است جای آن را بگیرد. از خصوصیات ویژه‌ی این لیف، سهولت کشت و زرع، قیمت مناسب و نسبتاً ارزان، سبکی، نرمی، خنکی، دوام و استحکام و بسیاری مزایای دیگر را باید نام برد (حاجی شریفی و ساسان‌نژاد، همان: ص ۱۱۱). اگرچه الیاف ساقه‌ای در نوع خود دارای ارزش زیادی در صنعت نساجی است، ولی اهمیت آن هرگز به پنبه نمی‌رسد. از خصوصیات مهم الیاف پنبه که آن را برای بافت زیلو بسیار مناسب کرده، تمایل به جذب رنگ‌های متفاوت است. این خصوصیت باعث شده است که با وجود افزایش الیاف مصنوعی، پنبه اهمیت خود را حفظ کند. کشت پنبه در میبد رواج زیادی داشته است که بقایای آن تا دهه‌ی ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی به چشم می‌خورد. محصول پنبه‌ی میبد مصرف داخلی داشته و اگر هم صادر می‌شده، به‌صورت بافته‌های نخی مانند زیلو، کرباس و پلاس بوده است. لباس قشرهای مختلف مردم از پارچه‌های پنبه‌ای بود که مردان پنبه‌کار آن را می‌کاشتند و زنان با دستگاه‌های ابتدایی و سنتی آن را می‌ریسیدند. در هوای گرم و کویری میبد، علاوه بر زیراندازهای نخی-پنبه‌ای که موجب خنک شدن فضا می‌شوند، البسه‌ی نخی نیز به خنک ماندن بدن کمک زیادی می‌کنند. برخلاف مواد اولیه‌ی گلیم که اغلب از پشم و مناسب برای مناطق سردسیر است، مواد خام زیلو از نخ پنبه‌ای می‌باشد که برای مناطق گرمسیر به‌خصوص حاشیه‌ی کویر بسیار کارایی دارد. گلیم با معیشت‌مداری و شیوه‌ی تولید عشایری سازگار است، درحالی‌که زیلو در تطابق با زندگی جامعه‌ی روستایی بوده چرا که تاروپود آن از پنبه به‌دست می‌آید. پنبه مقاومت ویژه‌ای در مناطق حاره و در معرض آفتاب سوزان دارد، البسه‌ی پنبه‌ای می‌تواند بارها و بارها شسته شوند (حاجی شریفی و ساسان‌نژاد، همان). البته از گذشته‌های بسیار دور، از پنبه برای بافت انواع فرش نیز استفاده می‌شده است. فرش‌هایی ایرانی متعلق به قرن دهم هجری شمسی باقی مانده‌اند که تاروپودشان از پنبه است. سطح مقطع رشته‌های گیاه پنبه شبیه لوله‌ای صاف است. رشته‌ها به‌طور طبیعی دور هم پیچیده می‌شوند و همین ویژگی، ریسندگی رشته‌های نخ را راحت‌تر می‌کند (استون، ۱۳۸۹: ص ۲۴). زیلو از نخ پنبه‌ای تابیده‌شده تشکیل می‌شود و معمولاً ۶ تا ۸ نخ یک‌لا در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، تابیده می‌شوند و به مصرف پود می‌رسند (جزایری، ۱۳۷۰: ص ۴۸).

۴- رنگریزی زیلوه‌ها



رنگ، اغلب شامل توصیف فنی در قالی‌های مشرق‌زمین است؛ اما متأسفانه این توصیف‌های رنگی، دقیق و یک‌دست نیستند. معرفی رنگ قهوه‌ای چندان روشن و واضح نیست، وقتی که چشم انسان قادر است حدود دوهزار رنگ را تشخیص بدهد. اگرچه استاندارد رنگ یک‌دست و اصطلاحات در تشخیص رنگ‌ها، شک‌برانگیز است؛ اما در مقایسه و طبقه‌بندی قالی‌های مشرق‌زمین از ارزش زیادی برخوردار است. شناخت رنگ و مقایسه‌ی قالی‌های شرقی، کار را برای مطالعه‌ی آن‌ها راحت‌تر می‌کند (استون، ۱۳۸۹: ص ۲۵). تمام رنگ‌ها از سه رنگ اصلی زرد، قرمز و آبی تشکیل شده‌اند که با نسبت‌های مختلف و متنوع به دست می‌آیند؛ یعنی از جهت نوری که از روی کالا بازتاب می‌شود و رنگی که به نظر می‌رسد. اما آنچه که قصد توضیح و شناسایی آن را داریم، معرفی رنگ از نظر جنس است. رنگ‌ها از نظر جنسیت انواع متفاوتی دارند. رنگ‌هایی که موارد مصرف مختلف دارند، عبارت‌اند از: رنگ‌های طبیعی (حیوانی و گیاهی) و رنگ‌های شیمیایی (رنگ‌های اسیدی، رنگ‌های متالیک، رنگ‌های دندان‌آبی، رنگ‌های خمی، رنگ‌های ری‌اکتیو و رنگ‌های مستقیم) (جزایری، ۱۳۷۰: ص ۱۹). در بحث رنگ نخ‌ها، شناخت کیفیتی که به‌وسیله‌ی آن رنگ را بتوان تعریف کرد، کمک زیادی می‌کند. این کیفیت‌ها عبارت‌اند از: فام، سایه و درخشندگی. فام عبارت است از: طیف رنگ و ترکیبات آن‌ها (قرمز، نارنجی، زرد، سبز، آبی، بنفش و قهوه‌ای). سایه‌ی رنگ نیز با حضور رنگ‌های سیاه، سفید و خاکستری در این رنگ‌ها تعیین می‌شود. درخشندگی هم عبارت است از: میزان سیاه، سفید یا خاکستری در رنگ. رنگی شاد و درخشان، فاقد ترکیبات سیاه و سفید یا خاکستری است. اینیک رنگ خالص یا ترکیبات رنگ‌هاست (استون، ۱۳۸۹: ص ۴۳). رنگ‌هایی که در بافت زیلو به‌کار می‌رود، عبارت‌اند از: آبی، سفید، قرمز، سبز و نارنجی که ماده‌ی اولیه‌ی ساخت آن‌ها اغلب گیاه روناس است.

۵- روش تهیه‌ی انواع رنگ قرمز در زیلو

انواع مختلف بوته‌ی روناس را می‌توان در بیش‌تر کشورها یافت. روناسی که در ایران می‌روید، غالباً از نوع *Rubiaperegina* بوده و دارای شاخ و برگ زیاد است. طول آن به ۵۰ تا ۱۰۰ سانتی‌متر می‌رسد. قسمت رنگ‌دهنده‌ی روناس، ریشه‌ی آن است. برگ‌ها و ساقه، خوراک حیوانات می‌شوند. روناس بیش‌تر در استان‌های آذربایجان، کرمان و مازندران یافت می‌شود، گرچه نوع وحشی آن در تمام ایران می‌روید. ریشه‌ی روناس تا دو متر در زمین فرو می‌رود و هرچه بیش‌تر از عمرش بگذرد، مقدار ماده‌ی رنگی آن افزایش می‌یابد (جزایری، ۱۳۷۰: ص ۲۱). گیاه ۷ ساله‌ی روناس رنگ بیش‌تری داشته و دارای رنگ ارغوانی سیر است. این گیاه دارای جوهر یاقوتی‌رنگ است که وقتی نم‌دار شود، تبدیل به شکر الیزارین خواهد شد. وقتی این ترکیب با زاج سفید به فرمول $CuSO_4$ مخلوط شود، رنگ قرمز زیبا و ثابتی می‌دهد. روناس از سالیان دراز به‌عنوان بادوام‌ترین رنگ قرمز گیاهی شناخته شده است. وجود شواهدی در تورات و قبور فراعنه‌ی مصر دال بر استفاده از روناس در آن زمان است. در ایران از قدیم‌ترین ایام، روناس را می‌شناختند و استفاده می‌کردند (جزایری، همان: ص ۲۰). وقتی زاج آهن (زاج زرد) به روناس اضافه شود، رنگ قرمز-قهوه‌ای می‌دهد. چنانچه به شیره‌ی روناس دوغ افزوده شود، رنگ قرمز درخشنده‌ای به دست می‌دهد که آن را به اصطلاح دوغی گویند. «خون سیاوش» یک



رنگ قرمز مایل به نارنجی است که اغلب طبق دستورالعمل‌های قدیمی با ترکیب سایر رنگ‌ها به کار برده می‌شود و رنگی صمغی به‌شمار می‌رود. رنگ‌های سیاه و قهوه‌ای را از پوست گردو می‌توان تهیه کرد؛ این رنگ‌ها اگر با رونا س ترکیب شوند، رنگ شتری به‌دست می‌آید.

۶- روش تهیه رنگ لاک‌ی برای زیلو

اولین رنگ حیوانی که در تاریخ ثبت شده، رنگ ارغوانی است. تکه‌هایی از لباسی ارغوانی‌رنگ که در حفاری‌هاییکی از آرامگاه‌های یونانی به‌دست آمده است، بر قدمت این رنگ گواهی می‌دهد. رنگ ارغوانی از دو نوع حلزون که متعلق به دریای مدیترانه‌اند و هر دو صدفی ماریچ با دهانه‌ای بزرگ داشتند، به‌دست می‌آمد. رنگ حیوانی دیگری که از زمان باستان مورد استفاده قرار می‌گرفت، قرمز دانه است که از بدن‌های خشک‌شده‌ی نوعی حشره‌ی کمیاب به‌دست می‌آید. این حشره در دو نوع درخت بلوط نواحی مدیترانه، به‌نام بلوط سبز و بلوط مازو زندگی می‌کند. کاربرد این ماده، نخستین بار در سال ۱۷۲۷ قبل از میلاد به ثبت رسیده است (جزایری، همان: ص ۱۸). رنگ لاک‌ی و قرمز دانه را ۴ تا ۶ روز خیس کرده و در آفتاب می‌گذارند؛ البته در جایی گرم و با دمایی بین ۵۰ تا ۶۰ درجه‌ی سانتیگراد، زمان کم‌تری لازم است. بعد از پیمودن این مراحل، رنگ را نمونه‌گیری می‌کنند؛ به این صورت که مقداری از آن را روی شیشه ریخته، اگر پس از گذشتن ۵ دقیقه، رنگی سیر حاصل شد، یعنی این که مراحل تهیه‌ی رنگ به‌خوبی طی شده است. برای تولید انبوه، رنگ را از صافی گذرانده و به تولید آن اقدام می‌کنند. قرمز دانه از رنگ‌هایی است که خاصیت ضد رنگی اعجاب‌آوری دارد (جزایری، همان).

۷- روش تهیه رنگ آبی-بنفش در زیلو

مردم نواحی مدیترانه با نیل آشنایی داشتند. درحقیقت طی سال ۴۵۰ قبل از میلاد مسیح، هرودوت روش کاربرد نیل را شرح داده؛ در جایی دیگر آمده است که مردمان هند شرقی اولین کسانی بودند که از رنگ این گیاه استفاده می‌کردند. نیل گیاهی است که بوته‌ی آن دو سال عمر می‌کند و ضخامت تنه‌ی آن حداکثر ۲ سانتی‌متر است. گل نیل به‌شکل گل افاقیا ریشه‌ای و به‌هم متصل است. رنگ آن در انواع مختلف فرق می‌کند، رنگ‌های سفید و صورتی و ارغوانی در انواع مختلف دیده می‌شود. نیل، آمونیاک، هیدروسولفیت سدیم و آب را نظر به سیری و روشنی رنگ به‌مدت ۵ تا ۲۰ دقیقه در داخل حمام نکه می‌دارند، سپس با هوای طبیعی خشک می‌کنند. نیلیکی از باثبات‌ترین رنگ‌های طبیعی است (جزایری، همان: ص ۲۰). جوهر آبی را با پوست گردو به‌مدت ۱۲ ساعت خیس کرده و آن را به‌شکل خمیر نرم‌درمی‌آورند، مقداری حلیله‌ی زرد، پوست انار و زاج به آن اضافه کرده و می‌جوشانند؛ سپس الیاف پنبه برای بافت زیلو را در این جوشانده به‌صورت گرم قرار می‌دهند و پس از آن براده‌ی آهن اضافه می‌کنند. رنگ حاصل، آبی-بنفش خواهد بود که یکی از پرکاربردترین رنگ‌ها در بافت زیلو است.



۸- روش تهیهی رنگ قهوه ای-خاکستری برای زیلو

سولفات آهن، حلیله‌ی زرد، مازوی بلوط و زاج با را یکدیگر ترکیب کرده و سپس آن‌ها را به مدت ۲۴ ساعت خیسانده، الیاف را در آن قرار می‌دهند تا به مدت ۲۴ ساعت در حالت آماده‌سازی بماند. نخ را از پاتیل بیرون آورده و به مدت ۲ ساعت در دمای ۱۰۰ درجه‌ی سانتیگراد می‌جوشانند؛ بدین ترتیب، رنگ قهوه‌ای-خاکستری به دست می‌آید. تا نیمه‌ی قرن نوزدهم، مواد رنگین را فقط از منابع حیوانی، نباتی و معدنی می‌شناختند و صنایع پررونقی مربوط به جمع‌آوری و استخراج مواد خام رنگی در سراسر آسیا وجود داشت. لذا، همه‌ی گلیم‌های بافته‌شده تا پیش از سال ۱۸۵۰، با مواد طبیعی رنگریزی می‌شده است؛ کاری که تا همین اواخر هم ادامه داشت (هال و بارنارد، ۱۳۷۸، ص ۱۰). البته تمام توضیحاتی که درباره‌ی تهیه‌ی رنگ آوردیم، مربوط به دهه‌های که مردم میبد چنین روش‌هایی را برای رنگریزی نخ‌های زیلو به کار می‌بردند و متأسفانه امروزه بسیاری از آن‌ها منسوخ شده است. رنگریزی‌های گذشته، اشکالاتی نیز داشته است؛ از جمله: مقرون به صرفه نبودن تهیه‌ی این رنگ‌ها برای تولید انبوه، مقاومت شستشوی پایین، سرعت جذب ناچیز برخی رنگ‌ها، عملی نبودن تولید دسته‌ای از این رنگ‌ها در صنعت امروز، عدم تولید تمام شیدهای رنگی توسط آن‌ها و... تولید رنگ‌های طبیعی به صورت انبوه تا سال ۱۳۴۹ ادامه داشته است و از سال ۱۳۵۰ به بعد، این صنعت و هنر سنتی به جز مواردی معدود که هنوز به شیوه‌ی پیشین به کار رنگریزی الیاف می‌پردازند، به دست فراموشی سپرده شده است. البته برخی بافندگان واحدهای کوچک زیلوبافی برای افزایش سرعت رنگریزی و تنوع رنگ زیلوهای خود، از رنگ‌های شیمیایی کمک گرفتند که همین عامل، باعث احیای برخی کارگاه‌های زیلوبافی شده است.

۹- نقوش زیلو

نقوش غالب زیلوه‌ها، نگاره‌های شناخته‌شده‌ای است که ریشه در فرهنگ ایران باستان دارند و به دنبال گذشت زمان با فرهنگ اسلامی-ایرانی تطابق پیدا کرده‌اند. به عنوان مثال، سرو به سبب این که همیشه سبز است سمبل جاودانگی محسوب می‌شود و در اغلب فرهنگ‌های باستانی از قداست و حرمت برخوردار است. آثار و شواهد آن در هنر آشوری، ایلامی، ساسانی و هخامنشی مشهود است. این نقش در ترمه به صورت بته‌جقه ظاهر و تثبیت شده است. اسکلت چوبی بزرگی به نام نخل که هم‌اکنون نیز در بسیاری شهرهای ایران از جمله میبد در مراسم عاشورا استفاده می‌شود، در واقع مقطعی از بلندترین قسمت سرو است. علاوه بر این، یکی از اجزای تزئینی نخل میبد نیز سرو نام دارد که دقیقاً به شکل سرو است؛ برگ‌های آن را شبیه نیزه مجسم کرده‌اند و نماد تیرهایی است که به پیکر امام حسین (ع) زده‌اند. نقش کلیدو گردونه‌ی خورشید که در هنر بعد از اسلام با خط کوفی تلفیق می‌شود، یکی از بدیع‌ترین شبکه‌های نقش‌پردازی را به وجود آورده است که گاه اجزای خود را از اسامی مبارک حضرت محمد (ص) و امام علی (ع) می‌گیرد. نقش کلید و سرو به صورت اختصاصی برای زیلوی مساجد و اماکن متبرکه بافته می‌شود. در معماری مذهبی نیز نقش سرو و کلید، کارکرد ویژه‌ای دارد. پوشش سطح خارجی گنبد‌ها و شبکه‌های در و پنجره‌ی مساجد هم‌چنین نخل و ضریح امامزاده‌ها از این نقوش بهره



گرفته‌اند. سطح زیلو به صورت راه‌راهی برجسته است که نخ‌ها به موازات تارها و با یک نسبت دو به یک، سه به یک و پنج به یک پیچیده می‌شوند. دو یا سه ردیف از پود زمینه، بین هر ردیف از پودهای ضخیم‌تر قرار می‌گیرد؛ به طوری که سطح زیلو کاملاً به وسیله‌ی دو، سه یا پنج تار با پود پوشیده شده است (هال و بارنارد، ۱۳۷۸، ص ۱۷). نقوشی نظیر هشت‌پر که در گنبد سلطانیه نیز به چشم می‌خورند، از دیگر نقش‌هایی‌اند که به وفور در زیلوها و سایر دست‌بافته‌های میبد به چشم می‌خورد. کنگره نیز نقش نوظهوری نیست و نقش آن در میبد به صورت حصارچینی مشبک جلوه کرده است که در بادگیرها و حفاظ پشت‌بام‌ها مشاهده می‌شود و نمونه‌ی مورد استفاده‌ی آن در میبد فراوان است. استفاده از نقوش و مظاهر طبیعت در دست‌بافته‌ها و سایر هنرهای هر منطقه معمول است و بافندگان زیلوی میبیدی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و گاه با الهام از طبیعت، نقوش جدیدی آفریده‌اند.

۱۰- انواع نقوش در زیلوهای میبد

در زیلو دو نوع نقش وجود دارد: نقوش حاشیه و نقوش کار یا زمینه. نقوش حاشیه در زیلو بسیار متنوع می‌باشند و گاهی برای رسیدن به نقوش زمینه، پانزده حاشیه بافته می‌شود. (تصویر ۳) هرکدام از نقوش حاشیه و زمینه، شکل و نحوه‌ی بافت خاص خود را دارند که در این مقاله به ذکر اسامی انواع آن اکتفا کرده‌ایم، به این امید که مجال پرداختن به انواع نقوش زیلو در مقاله‌های آتی میسر شود. اسامی نقوش حاشیه‌ی زیلو - از بیرون به سمت زمینه - به ترتیبی است که در ادامه می‌آید: ۱. کناره، ۲. کش، ۳. مداخل، ۴. کش، ۵. کنگره، ۶. چهارکش، ۷. بند و گل، ۸. چهارکش، ۹. کنگره، ۱۰. کش، ۱۱. مهر، ۱۲. سه‌کش، ۱۳. کنگره، ۱۴. چهارکش و نهایتاً نقش زمینه.



تصویر ۳- نقوش حاشیه و زمینه‌ی زیلو (نگارندگان).

کش و کناره: از اولین نقوش حاشیه‌ی زیلو هستند که به صورت خطوط ساده بافته می‌شوند.
مداخل: نام دومین نقش حاشیه‌ی زیلو است که شباهت‌هایی به سر پرنده دارد.
کش: یکی دیگر از نقوشی است که در بلافت حاشیه‌ی زیلو به کار می‌رود که دو رشته خطوط عمودی و موازی است و در مقابل مداخل قرار دارد.
چهارکش: خطوط عمودی و موازی شبیه کش است با این تفاوت که فاصله‌ی بیش‌تری از یکدیگر دارند.

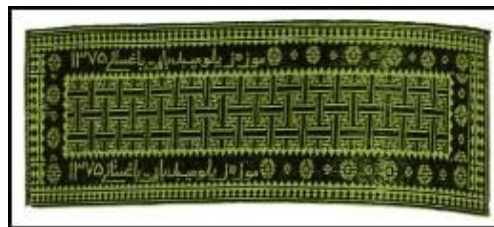


بند و گل: این نقش دارای یک گل به صورت کامل و یک نیم گل است (منظور از گل، نقش های هشت ضلعی است با ستاره یا هر نقش دیگری که در وسط نقش اصلی بافته می شود).

سه کش: این نقش به صورت سه خط موازی است.

در سال های اخیر حتی در زیلوهایی که نقشه و کاربردهایی مختلف دارند، نقش حاشیه ثابت و یکنواخت است. نقوش زیلو هرچه پیچیده تر و پرنقش و نگارتر باشد، بر تعداد مچ ها افزوده می شود (مچ در اصطلاح زیلوبافی به تک تک نخ های دسته بندی عمودی زیلو گفته می شود). کم ترین مچ برای بافت نقش، سیزده عدد است که چهار تای آن برای نقش کناره و هفت تای آن برای نقش زمینه استفاده می شود. این نوع زیلوها که دارای کم ترین تعداد مچ هستند، نمی توانند دارای نقوش پیچیده ی زمینه و حاشیه نویسی باشند. برای بافت زیلوهایی با نقوش پیچیده تر باید مچ های بیش تری به کار گرفته شود. در مواقعی که نقوش پیچیده تر باشند، لازم است هر یک یا دو نخ، یک مچ را تشکیل دهند. تعداد نخ های مچ تک تک از ۸۰ تا ۷۰۰ عدد قابل تغییر است. برای بافتن انواع نقوش ساده و پیچیده ی زیلو حداقل ۲ نفر لازم است، یک نفر استادکار زیلوباف که کار وی انداختن نقش و پودگذاری است و یک شاگرد یا دفتین زن.

بیش تر زیلوهایی که بافته می شوند، هفت مچی و در موارد خاص حداکثر سیزده مچی هستند. شناخته شده ترین نقوش آن ها به شرح زیر است: الف) نقوش هفت مچی شامل: پرتوره، زلفک، بند، بافته، سرو، اطلس، هشت پر، بالنگ، زنجیری، دوبند و طرح کلیدی. (تصویر ۴) ب) نقوش سیزده مچی شامل: بند رومی، گره، کلید، هشت پر و چیتی. (تصویر ۵)



تصویر ۴- مثال برای مورد الف: زیلو با نقشه ی هفت مچی؛ دارای نقوش کش، مداخل، بند و گل، سه کش و طرح زمینه است. این زیلو به سفارش میراث فرهنگی اصفهان و در سال ۱۳۷۵ در اندازه ی ۲ و نیم در ۳ متر مربع بافته شده است.



تصویر ۵- مثال برای مورد ب: زیلو با نقشه ی سیزده مچی؛ دارای نقش های کناره و نقش زمینه است. این زیلو در کارگاه موزه ی پلاس به دست هنرمند زیلوباف، حبیب باغستانی در سال ۱۳۷۴، به تعداد ۳۴ تخته به سفارش آستان قدس رضوی در اندازه ی ۲ و نیم در ۳ متر مربع بافته شده است.



۱۱- نتیجه گیری

زیلوبافی در اصل هنر-صنعتی روستایی و متکی به تولیدات کشاورزی است. در دهه‌های گذشته که کشاورزی رونق داشته و نیروی کار ارزان بوده است، بخش عمده‌ای از کارهای بافندگی زیلو با مشارکت اعضای خانواده‌ها انجام می‌شد. در هر خانواده‌ی روستایی یک نفر کار دفتین زدن، یک نفر کار بافتن و یک نفر نیز کلاف رنگ کردن را به عهده داشت؛ به همین دلیل کارگاه‌های بافت زیلو در اتاقی از منازل مسکونی برپا می‌شدند. با تغییر ساختار اقتصادی، این نظم از هم گسست. نیروی کار کم شد و به همان نسبت هم هزینه‌ی تولید و دستمزدها افزایش یافت و زیلو دیگر یک زیرانداز ساده و ارزان برای روستائیان محسوب نشد و موکت جای این دست‌بافته را گرفت. چنانچه ذکر شد، یکی از موارد عمده‌ی مصرف زیلو، مساجد بودند. پیش از این، بانیان ترجیح می‌دادند کفپوش مساجد مانند اماکن مذهبی صدر اسلام ساده و بی‌آلایش باشد، ولی طی سه دهه‌ی اخیر به علت رکود این هنر-صنعت، فرش‌های رنگارنگ و اکثراً ماشینی جایگزین زیلوهای ساده شده‌اند. از دیگر علت‌های کاهش کیفیت معدود زیلوهای بافته‌شده‌ی کنونی را می‌توان رنگ‌های بی‌کیفیت و کم‌دوام پودهای آن دانست که رنگ‌هایی غیراستاندارد، جای رنگ‌های اصیل را گرفته‌اند. نداشتن مهندس نساج و طراح، از دیگر علل رکود زیلو است. در دهه‌های اخیر، بیش‌تر کسانی که به بافت زیلو رو آورده، تبحر خاصی در این زمینه نداشته‌اند؛ در نتیجه، زیلوی تولیدشده نامرغوب بوده و باعث از بین رفتن بازار فروش شده است. زیلو از جمله دست‌بافته‌هایی محسوب می‌شود که سازمان صنایع دستی و دیگر نهادهای مسئول، برای معرفی و احیای آن به اندازه‌ی گلیم و سایر دست‌بافته‌های سنتی تلاش نکرده‌اند که بایستی توجه به این زیرانداز سنتی در دستور کار سازمان‌های ذیربط قرار گیرد. توصیه می‌شود برای توسعه و احیای این هنر-صنعت سنتی مردم کویرنشین، دست‌اندرکاران، این پارامترها را در نظر داشته باشند: ۱- تشویق استادکاران ماهر به تولید زیلوهای با کیفیت بالا. ۲- پایین آوردن قیمت مواد اولیه بافت و هزینه‌ی رنگرزی. ۳- فراهم آوردن وسائل بهداشتی و رفاهی برای کارگران زیلوباف. ۴- حل مشکل بیمه‌ی کارگران مورد اشاره.

منابع

- اردلان، نادر و بختیار، لاله، (۱۳۸۰)، *حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی*، مترجم: حمید شاه‌رخ، خاک، اصفهان.
- استون، پیتر. اف، (۱۳۸۹)، *تعمیر قالی شرقی*، مترجم: غلامرضا طوسی‌ان شاندیز، جمال هنر، تهران.
- اسفنجاری کناری، عیسی، (۱۳۸۶)، *میبد شهری که هست*، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران.
- افشار، ایرج، (۱۳۷۴)، *یادگارهای یزد: معرفی ابنیه و آثار باستانی*، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
- جزایری، زهرا، (۱۳۷۰)، *شناخت گلیم*، سروش (انتشارات صدا و سیما)، تهران.
- حاجی شریفی، محسن و ساسان‌نژاد، جواد (۱۳۶۳)، *خصوصیات الیاف نساجی*، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.



- حیدری، عصمت، (۱۳۸۲)، "نقش رنگ در تزئینات معماری اسلامی (از دوره سلجوقی تا اواسط دوره صفوی)"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مهناز شایسته‌فر، دانشگاه تربیت مدرس.
- شایسته‌فر، مهناز و شکرپور، شهریار، (۱۳۸۸)، مقایسه طرح و نقش زیلوبافی میبد و مسجد جامع یزد، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۱۱.
- علی‌محمدی اردکانی، جواد، (۱۳۸۶)، پژوهشی در زیلوبوی یزد، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- فنایی، زهرا، (۱۳۸۷)، سیری در صنایع دستی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد.
- مصدقیان طرقله، وحیده، (۱۳۸۴)، نقش و رنگ در مسجد گوهرشاد، کتاب آبان، تهران.
- هال، آلستر و بارنارد، نیکلاس، (۱۳۷۸)، گلیم‌های ایرانی، مترجم: کرامت‌الله افسر، انتشارات یساولی، تهران.